

مجله سیاسی و ادبی

# آینده

نمبره مسلسل ۲۵

مهره ۱۳۲۳ء

جلد سوم (شماره اول)

## اشتباهات سیاسی

### روس و انگلیس در ایران

بقلم مدیر مجله

« پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت

آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد ! »

(حافظ)

امور ایران بیش از هر کشور دیگر بر محور سیاست خارجی دور  
میزند. بعلم جغرافیائی و سیاسی دو دولت بیگانه که بیش از دیگران در  
این مملکت ذی نفع و دارای نفوذ هستند انگلیس و روس میباشد. بعضی  
تصور میکنند، و تصویری درست است، که در این سرزمین پلتیک بیش از  
همه جا چون زلف عروسان بیج در پیچ و مرموز میباشد. ما در این  
مجله کوشش داریم کیسوان تابدار سیاست را با قلم انتقاد شانه زنییم و  
موبو بشکافیم. آنانکه تلی داشتند و در سر سیاست گذاشتند، نومبند نباشند،

از ما دوری نکنند، باشد که دل گم شده خود را بازیابند. این مجله رهبری نیست که همراهان خود را گمراه کند. مشعل پرفروغ تاریخ را با هم بدست میگیریم و حقایق پنهان را در تاریکیهای آینده جستجو میکنیم.

...

## روسی

«ایران باید بی اندازه از موسسین دولت جدید روسیه متشکر باشد زیرا اگر قائد ملی آن مملکت، مرد بزرگ عصر حاضر، (لنین) و رفقایش اساس جور و ستم تزاری را واژگون نکرده بودند شاید وطن عزیز ما امروز از یک اصطلاح جغرافیائی و چند صفحه تاریخ بیش نبود. نه تنها بطور غیر مستقیم انقلابیون روسیه بما فایده رسانند، بلکه از ابتدای امر بواسطه الغاء قرارداد شوم ۱۹۰۷، ابطال قروض ایران نسبت به روسیه، اعطای راه آهن تبریز و مؤسسه بانک استقراضی روس و غیره فوائد مستقیم بیشمار به ما رسانیدند که فراموش کردن آنها یکنوع کفران نعمت خواهد بود. سیاست دوستانه و کوریمانه بالشویکها نتایج خوبی برای مملکت روسیه نیز داشت: ایرانیان که روسها رادشمن جانی خود میدانستند و برای خون آنها تشنه بودند در تعاقب سیاست جدید بکلی کینه دیرینه فراموش کرده تمایل زیادی نسبت بآنها پیدا نمودند. اما بعد در مسائل اقتصادی آنطور که ایرانیان منتظر بودند از طرف روسها مساعدت نشد. مثلاً در مسئله «ترانزیت» یعنی عبور مال التجاره از خاک روسیه تسهیلاتی که لازم بود، وعده داده بودند و منتظر بودیم نکردند. وسائلی فراهم آورده نشد که اجناس صادر از ایران مثل قبل از جنگ در روسیه با آزادی کامل بمصرف برسد.... شاید این پیش آمدها از سوء سیاست بعضی اشخاص بوده و

امیدواریم نماینده جدید دولت جماهیر شوروی روسیه اقدامات مجدانه در بهبودی روابط اقتصادی مملکتین بنماید بهر حال عقیده ما بر این است که ایران باید دوره تزاری را همیشه بیاد خود داشته باشد؛ حکومت امروزی روسیه را اسباب سعادت خود بدانند و روابط و دادیه خود را با آن دولت محکم نمایند.

سطور فوق را نگارنده قریب بیست سال پیش در صفحه ۱۴ شماره اول مجله آینده نگاشته بودم؛ و هنوز هم معتقدم که اگر حکومت سویت در روسیه تشکیل نشده، قرار داد ۱۹۰۷ را دولت شوزی بطیب خاطر ملغی نکرده و قشون روس را از ایران فرانخوانده بود استقلال کشور ما پایمال و وحدت ملت و مملکت ما از دست رفته بود. اکنون هم پس از پایان جنگ از جوانمردی روسها و دیپلماتهای باهوش آنها که کمتر اشتباه میکنند جز همان انتظاری نداریم.

## انگلیس

هر چند حکومت روسیه بواسطه عظمتی که داشته و دارد در کبه سیاست و زرش قابل احساس است، لیکن دولت بریتانیای کبیر چون دیپلماتهای بسیار زبر دست و نقشه های سیاسی عاقلانه و دیر اندیشیده داشته سنگینی او در سیاست بیشتر محسوس میباشد. پس ما ناچاریم بلنیک و دیپلماسی این دولت را با نظری عمیقتر و مفصلتر تحت مطالعه در آوریم. در سابق مکرر از سیاستهای بریتانیا در جراند و مجلات بحث نموده ایم. گاهی نیز، وقتی جوانتر بودیم؛ به پیروی از احساسات تندملی خود راه افراط حتی مبالغه پیهموده ایم که شاید موجب رنجش شده

باشد (۱) لیکن چون قصدی جز گفتن حقایق آنهم بمنظور تحکیم روابط حسنه واقعی بین ایران و همسایگانش نداشته و نداریم مانر نجیده و نمیرنجیم و باز هم در خیر و صلاح طرفین آنچه بنظرمان برسد خواهیم نوشت ، ولی از جاده مستقیم هیچوقت بیرون نخواهیم شد .

...

دولت انگلیس تا قبل از قرارداد ۱۹۰۷ ، دایر  
 بتقسیم ایران بمناطق نفوذ در این کشور وجهه  
 بسیار خوبی داشت . کلمه « انگلوفیل » یعنی  
 انگلیس دوست مرادف بود با مشروطه طلب که در آن زمان از پسندیده  
 ترین صفتها شمرده میشد ، علت آنهم این بود که چون روسها در آن  
 تاریخ سیاست جابراانه نسبت بایران اتخاذ کرده بودند ایرانیان با نظر  
 نفرت بآنها مینگریستند و « روسوفیل » یعنی روس دوست مرادف بود با خائن  
 و وطن فروش . انگلیسها را ایرانیان حاضی خود میدانستند و حتی مشروطه  
 خواهانی مانند آقا سید حسن تقی زاده پس از توپ بستن مجلس برای فرار  
 از شکنجه مرتهجین که آنهاکانشان بسقارت تساری بود بانگایسها پناه بردند . . . .  
 اما سیاست بین المللی موجبات انعقاد قرارداد تقسیم ایران را بمناطق  
 نفوذ میان روس و انگلیس فراهم آورد . ایرانیان نمیتوانستند علل بسیار  
 مهمی که سرادارد گری وزیر خارجه بریطانیا را بمقتد این معاهده و ادار  
 کرده بود درك کنند ولی از نتیجه عملی که بر ضرر کشورشان بود بی اندازه متأثر

(۱) ذرا کثیر ۱۹۲۱ موقمی که نگارنده از لندن عبور میکردم مقاله ای راجع  
 بسیاست انگلیس در ایران در مجله شرق نزدیک انتشار دادم و شرحی که مدیر  
 روزنامه انگلیسی ذیل مقاله انتقاد نسبت بمقاله و رساله دکترای من تحت عنوان  
 ( سیاست اروپا در ایران ) نوشته بود اشاره کافی باین معنی داشت .  
 ترجمه مقاله را با جواب آن وقتی دیگر که اوراق گنجایش داده باشد

در مجله آینده درج خواهیم نمود

بودند. با وجود این، وقتی چند سال به دستر شوستر امریکائی خواست مجر استکس وابسته نظامی سفارت انگلیس را برای اداره ژاندارمری مالیه ایران استخدام کند حسن استقبال نمودند. اما پس از پایان جنگ بین الملل گذشته که دور قیپ آنروز امپراطوری بریتانیا، یعنی آلمان و روسیه، ضعیف شده و در میدان سیاست ایران کوئی نمیزدند ایرانیان انتظار داشتند که دولت انگلیس فرصت را برای تقویت واقعی ایران، که همیشه از حمایت معنوی آن دولت برای حفظ استقلال و تمامیت خود بهره برده بود، محنتن شمرده او را نه تنها ظاهراً بلکه باطناً هم آراسته نماید....

اما، قرارداد ۱۹۱۹ پیش آمد که احساسات عمومی را برانگیخت. ما در جای دیگر از لحاظ منافع خود انگلیسها از آن انتقاد کرده ایم

قرارداد  
۱۹۱۹

و هنوز هم معتقدیم که حق با ما بوده است. بهترین دلیل هم همین که خود آنها بعد از چندی موجبات الغاء آنرا فراهم آوردند. این دفعه ایرانیان دانستند که عذر انگلیسها را در عقد معاهده ۱۹۰۷ تلویحاً میپذیرفتند نمیتوانستند چپاری اگر دولت انگلستان در بستن پیمان ۱۹۱۹ داشت درک کنند....

اینهم گذشت... ایران بواسطه شورش جنگلیان و غیره در هرج و مرج افتاده بود... کودتای ۱۲۹۹ و الغاء قرار داد ۱۹۱۹ پیش آمد.

کودتای  
۱۳۰۹

من آنوقت در ایران نبودم تا از نزدیک واکنش آنرا در سیمای هموطنان مشاهده کنم، ولی حدس میزنم چون در تعاقب کودتا قرارداد نامبرده که منقور عامه بود ملغی گردید و اوضاع روبه بر قراری امنیت

و «اصلاحات» میرفت مردم نسبت بآن چندان بدبین نبوده‌اند ۰۰۰ جز بعضی از رجال مانند آقای دکتر مصدق‌السطنه والی فارس که دعوت همکاری آقای سیدضیاء الدین رئیس حکومت وقت را نپذیرفتند (۲) البته اگر چنین که ما استنباط میکنیم بوده است انگلیسها میتوانستند در یرتو حسن سیاسی که میبایست پس از کودتا و الغاء قرار داد اتخاذ کرده باشند وجهه از دست رفته را بازبچنک آورند... زیرا در آن ایام تنهادولت خارجی مؤثر در امور را مردم حکومت انگلیس میدانستند و بهبودی اوضاع راهم قاعدتاً بایستی متناسب به تغییر سیاست آن دولت پنداشته باشند. در تیرماه ۱۳۰۴ حتی خود نگارنده موقعی که نخستین شماره مجله آینده را منتشر کردم در تحت تأثیر همین اوضاع نوشتم:

«... ما هم طرفدار عقد قرار داد دوستانه‌ای که منافع مملکتین را بطرز رضایت بخشی تأمین کند بودیم، اما بنظرمان این قرار داد بنحوی که تدوین شده بود تأسف آور و حتی اسباب تعجب بود؛ زیرا تصور نمی‌کردیم بتواند منافع دو مملکت را تأمین نماید و حوادثی که در تعاقب آن واقع شد و منتهی بالغاء آن گردید بما حق داد. انگلیسها از سیاست ۱۹۱۹ و سوء نتیجه‌ای که از آن گرفته پشیمانند. از آنچه نمایان است سیاست تازه آنها تقویت ایران و احترام استقلال این دولت میباشد. چون این روش کاملاً بمنفعت ایران و انگلیس است باید طرفین سعی کنند که خللی بآن وارد نیاید...»

ولی، کم کم، در اثر سوء سیاست این عقیده از مردم سلب شد آنچه

(۲) عین تلگراف آقای طباطبائی به آقای دکتر مصدق در شماره ۱۱ سال اول مجله آینده صفحه ۶۹۷ مندرج است و در انتهای آن این عبارت خوانده میشود: «امیدوارم بنام وطن و بنام اصلاحات از آن فاصله بعید آغوش گشوده مرا برادرانه در بغل گرفته، کمک و مظاهرت خودتانرا با احترام منافع ملی بن اهدا فرمائید.»

کاربرد در ایران صورت می‌گرفت بحق یا باطل آنرا ناشی از پلٹیک انگلیس میدانستند. ما که داخل در مردم بوده ایم جزئیات آفکار عامه را می‌شناسیم...

در این گیر و دار آتش جنگ بزرگ عمومی دوم در اروپا در گرفت که هنوز هم شعله ور است.

شهریور  
۱۳۲۰

ما نمی‌خواهیم و نمیتوانیم در قضایای سیاسی خودمان که مرتبط با جنگ است و هنوز در حقیقت جزو تاریخ نشده بحث کنیم. همینقدر می‌گوئیم قضایای سیاسی یکی بعد از دیگری پیش آمد تا آنجا که قشون روس از شمال و نظامیان انگلیس از جنوب و غرب وارد خاک ما شدند و حیرت عموم را فرا گرفت.... در این هنگام، شبی که ابرهای تیره آسمان سیاست ایران را کدر کرده و ملت از پیش آمده‌های آینده خود نگران بوده ناگاه صدای دلنواز رادیوی لندن امواج هوا را شکافت و مرزده تغییر رژیم دیکتاتوری و بیزاری دولت انگلستان را از آن بگوشها رسانید. من همان دم حس کردم که انگلیسها بار دیگر محبوبیت گمشده خود را در میان ملت ایران پیدا خواهند نمود... هر جا میرفتید صحبت از تغییر سیاست بود. همه منتظر بودند که رژیم دموکراسی جایگزین دیکتاتوری خواهد شد. اما در حقیقت نشد و همان رجالی که در عصر دیکتاتوری سیاستمدار بودند دوباره زما مدار شدند. مردم معتقد گردیدند که رژیم عوض نشده، فقط اسم آن تغییر کرده است.

امروز هم که این مقاله را عینویسم دیکتاتوری شاه سابق در اساس کار بصورتی دیگر به مجلس شورا منتقل شده است. تفصیل آنرا ما در مقاله دیگری خواهیم نوشت.

...

خوشبختانه امروز دولت بزرگ همسایه بایکدیگر وبا ما متفق هستیم. ایران باید از این موقع نیکو استفاده کند. امروز در دنیا تمام

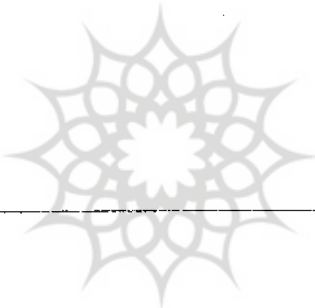
ملل بایکدیگرزندگانی وهمکاری می کنند ، ولی منافع هر يك محدود بیه منافع دیگرست و باید مصالح هم را احترام گذارند ، بخصوص وقتی که همسایگان زورمند باشند احترام آنها بیشتر لازم است ، زیرا میان ضعیف وقوی هر وقت اختلافی حادث شود غالباً ضعیف پایمال میگردد . خلاصه :

يك شب که چشم فتنه بخواب است زینهار

بیدار باش تا سرود عمر بر فسوس !

اما اگر چشم فتنه بخواب است مقاسفانه زمامداران ما هم در خواب هستند ! ...

### دکتر افشار



پژوهشگاه علوم انسانی  
مركز تحقيقات فلسفي و تربيتي  
مركز تحقيقات علوم انساني

جز سلوک ره کمال مکن  
جز بدان کار اشتغال مکن  
بافرو مایه قیل و قال مکن  
ترك شادی بنقد حال مکن  
در بی مال باجمال مکن  
ور بود حاتم احتمال مکن  
دشمن او هست پورزال مکن  
گر مفید است زان مال مکن

ای دل از تنگ داری از نقصان  
هر چه عقل اندر آن بود دستور  
شرف نفس اگر همی خواهی  
غم که فردا رسد مخور امروز  
عرض نفس نفیس را هرگز  
منت از دوست بهر دیناری  
عجزو بیچارگی بهیچ سبیل  
نشو اندرز های این یسین

« این همین »





از آثار تازه آقای ملک الشعر ابهار

## لاله خونین!

در بهار ۱۳۲۳ گفته شد

خاک مسطوره قلب بشر آورده برون  
بنجه جنگ جهانی جگر آورده برون  
بر سر خامه زدود و شرر آورده برون  
ذوق صنعت اثری مختصر آورده برون  
طراحی از قنیه دور قمر آورده برون  
از زمین همزه داغ پسر آورده برون  
دست مخبر بنشان خطر آورده برون  
صلح جویانه ز کوه و کمر آورده برون  
که زمین از دل خود شعله ور آورده برون  
کز پی عبرت اهل نظر آورده برون  
کش زمین بیخته در یکدیگر آورده برون  
رفته در خاک و سر از باختر آورده برون  
لخت لختش ز مسامات سر آورده برون  
که جفای فلک از پشت سر آورده برون  
بر سر نیزه بیاد ظفر آورده برون  
طوطی سبر قبا سرخ بر آورده برون

لاله خونین کفن از خاک سر آورده برون  
نیست این لاله نونیز، که از سینه خاک  
رمزی از نقش قتالست که نقاش سپهر  
یا که در صحنه گیتی رنشانهای حریق  
منکسف ماه و براو هاله خونبار محیط  
دل ما تمزده ما در زاریست که مرگ  
شعله واقعه گوئی است که از روی تلال (۱)  
دست خونین زمین است که از بهر دعا  
آتشین آه فرو مرده مدفون شده است  
پاره های کهن و سوخته های جگر است  
عشق مدفون شده و آرزوی خاک شده است  
پاره ها ز آهن سرخ است که در خاور دور  
بسکه خون در شکم خاک فشرده است بهم  
راستگوتی که زبانهای وطنخواهان است  
یا ظفر نامچه لشکر سرخ است که دهر  
با بتقلید شهیدان ره آزادی

یا که بر لوح وطن خامه خونبار « بهار »

نقشی از خون دل زنجیر آورده برون

۱ - اشاره بیرجهای اخبار است که بر روی تلها و کوهها برای اعلام اخبار  
واخطار در ایران و سایر جایها معمول بوده است .